



## شناسنامه کتاب:

نام کتاب: ..... گوهری از تبار صالحان

نگاهی بر زندگانی حضرت آیت الله العظمی مدنی تبریزی دامت برکاته

مؤلف: ..... سید علی هاشمی

چاپ: ..... اول

تیراژ: ..... ۲۰۰۰ نسخه

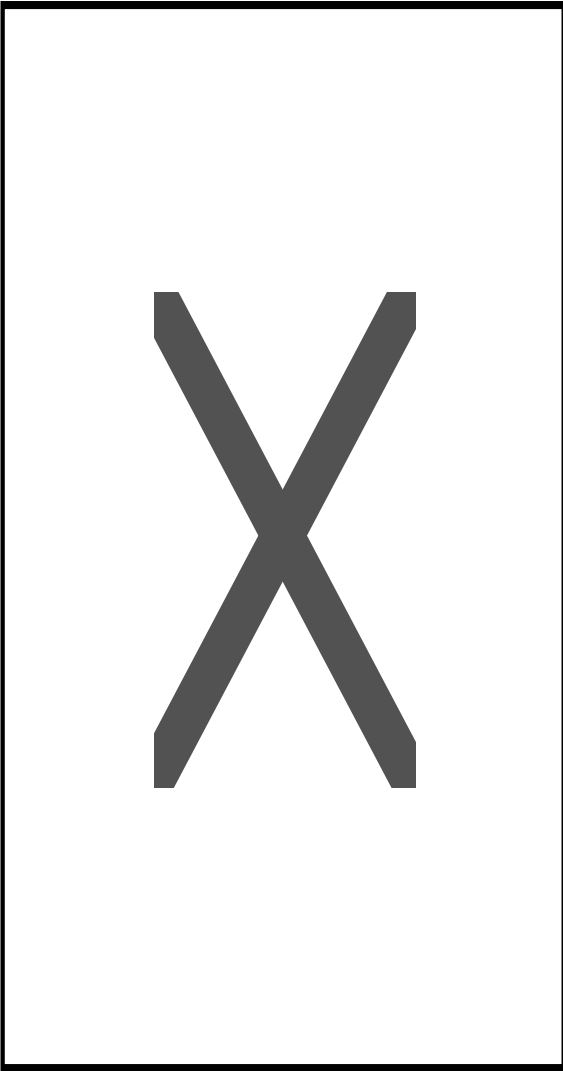
تاریخ چاپ: ..... ۱۴۲۹ هـ ق برابر ۱۳۸۷ هـ ش

ناشر: ..... دفتر معظم له

قیمت: ..... ۵۰۰ تومان

چاپخانه: ..... دانش





## سخن نخست:

مطالعه و بررسی زندگی بزرگان، عالمان و مصلحان اجتماع یک ضرورت حیاتی است؛ از این رو بر هر جامعه مترقی و ملت پیشروئی که می‌خواهد مدارج کمال انسان کامل را بپیماید لازم است با زندگانی بزرگان جامعه خویش آشنا شود و آن هم توأم با ادب و با تأمل بایستی برخوردار شود، زیرا عالمان همان وارثان انبیاء و صلحاء هستند.

۶ ..... گوهری از تبار صالحان  
و این یکی از عوامل مهمی که سبب رشد فضائل و  
پرورش مفاهیم انسانی در یک جامعه می‌گردد آشنایی با  
زندگانی مصلحان است.

نقش آفرینی و الگو بودن مصلحان و بزرگان در تربیت  
انسانها و لزوم پیروی مردم از راه و رسم زندگی، اخلاق،  
رفتار و کردار آنها چنان واضح است که تمام دانشمندان  
تربیت و اخلاق بر این نکته تأکید دارند و در قرآن مجید نیز  
در چند جا به این نکته اشاره شده است؛

۱- ﴿لقد كان في قصصهم عبرة﴾<sup>۱</sup>

قطعا در مطالعه سرگذشت بزرگان اجتماع و پیامبران درس  
عبرت است.

۲- ﴿فاقصص القصص لعلهم يفكرون﴾<sup>۲</sup>

داستان زندگی پیامبران را بازگو کن تا پیروان حق درباره آنان  
بیندیشند.

---

<sup>۱</sup> - سوره یوسف، آیه ۱۱۱.

<sup>۲</sup> - سوره اعراف، آیه ۱۷۶.

## آری:

مطالعه شرح حال و سرگذشت بزرگان، آشنایی با افکار، عقاید و راه و روش آنان تنها خدمتی کوچک و بسیار ناچیز به پیشگاه آنان است، که همواره وجود خود را وقف خدمت به جامعه کرده و بر اجتماع نور افشانی نموده اند. در واقع این نه تنها خدمت ناچیز به آنان بلکه خود خدمت به اجتماع و سبب رشد و پرورش در جامعه و تقویت نیروهای خدمت گذار بوده، موجب سعادت بشر است.

با صراحت باید گفت: عالمان ربّانی ستارگان پر فروغی هستند که در هر عصری در آسمان علم و عمل می درخشند و با کسب نور و گرما از خورشید رسالت و امامت، هم خود نورانی می شوند و هم اهل ارض را به سوی منابع نور و برکت دودمان وحی رهنمون می شوند و بدین سان آنان را بر بال ناب عرفان محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشانده و به ملکوت، عروج می دهند خداوند در وصف شان می فرماید:

﴿و جعلنا بينهم و بین القرى التى بارکنا فیها قرى ظاهرة و قدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی و ایاماً آمنین﴾<sup>۱</sup>.  
و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم آبادیهای آشکاری قرار دادیم، و حرکت میان آنها را بطور متناسب مقرر داشتیم (و به آنان گفتیم) شبها و روزها در میان این آبادیها با ایمنی حرکت کنید.

در طول تاریخ خیلی از بزرگان و عالمان بودند که در راه خدمت به دین و اجتماع عمر شریفشان را سپری نمودند که یکی از چهره های برجسته دینی و علمی مرجع عالیقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج سید یوسف مدنی تبریزی مدظلہ العالی است که در راه خدمت به مکتب اسلام کوشیده اند و خود از استوانه های عظیم حوزه علمیه به حساب می آید لذا آنچه پیش روی اهل فضل و خرد و کمال قرار دارد نگاهی کوتاه بر زندگانی آن فقیه عظیم الشان

---

<sup>۱</sup> - سوره سبأ، آیه ۱۸.

است که به طور اختصار ابعاد زندگانی پر بار ایشان را بررسی نموده و بر اساس حروف الفبا ویژگی های اوصاف وجود مقدس ایشان مورد مطالعه عزیزان و خوانندگان محترم قرار دادم، باشد که انشاء الله قطره ای در راه خدمت به اسلام و عالمان دینی انجام وظیفه شده باشد.

قم، سید علی هاشمی



## ولادت:

در سال ۱۳۰۷ هـ ش در استان آذربایجان شرقی «تبریز» در یک بیت سیادت و اخلاص درخشش نور وجودش نمایان شد که این سید پاک قدم به گیتی نهاد و خانواده ای را در سرور و شادی انداخت، پدر بزرگوارش او را سید یوسف نام نهاد.

ایشان با دو برادر ابوینی تحت تربیت یک خانواده معظم و متدین و ایمانی قرار داشتند، والد مکرم ایشان مرحوم حاج آقا سید قاسم حسینی رحمته الله علیه فرزند مرحوم حاج آقا سید عیسی حسینی رحمته الله علیه که از اجله سادات حسینی در محل بودند سرپرستی این طفل عظیم الشان را عهده دار بودند و با توجه

به اینکه والد معظم له از ثروتمندان و خیرین بازار به حساب می‌آمد و در زهد و پارسایی زبان زد بودند، و حمایت علمی فرزندش را از اهمّ امورات خود قرار داده و او را روانه مدرسه دولتی می‌نماید، و با توجه به اینکه والدشان شوق بیشتری به علوم دینی داشتند ایشان را با تأکید فراوان وادار نمودند تا مشغول تحصیل علوم دینی و حوزوی شوند.

### ادامه تحصیل:

معظم له حدود ۱۶ سالگی در دوران پربار جوانی با حمایت و راهنمایی والد مکرم شان، وارد حوزه علمیه تبریز می‌شود. حدوداً هشت سال با جدّیت تمام ادبیات عرب را تخصصاً ادامه می‌دهد تا اینکه خود به تدریس ادبیات می‌پردازد، و علوم فقه و اصول را نیز تا کفایة الاصول در شهر تبریز فرا می‌گیرد و از اساتید معروف و نامی آن عصر کسب فیض می‌نماید، به عنوان استاد ادبیات در آن شهر شاگردانی نیز تربیت می‌نماید.

سپس معظم له عازم شهر علم و اجتهاد «قم» گردیده و در جوار مقدس کریمه اهل بیت علیهم السلام ادامه تحصیل می دهند.

و با شروع تحصیل در قم از سطوح عالی «کفایتین» در محضر اساتید معروف، خود نیز تدریس را ادامه می دهند و در رشته های مختلف علوم دینی شاگردانی تربیت می نمایند و از فیوضات تألیفات علوم دینی نیز برخوردار می شود، و در آن ایام جوانی شرحی بر مطوّل می نویسند که مورد استقبال علماء و اساتید قرار می گیرد، تا آنجائیکه مرحوم حضرت آیت الله العظمی علامه حاج سید محمد حسین طباطبائی رحمته الله علیه صاحب تفسیر شریف «المیزان» تقریظی بر آن مرقوم می نویسد که به هیچ تألیف و تصنیفی همچون تقریظی ننوشته اند.

در مدرسه مبارکه حجتیه در همان عصر بر رسائل «فرائد الاصول» مرحوم شیخ اعظم انصاری رحمته الله علیه شرحی می نویسد که در هفت جلد جمع آوری می شود، و با تألیف این کتاب که

مورد استقبال علماء و فضلاء حوزه قرار می‌گیرد مرحوم حضرت آیه الله العظمی بروجردی رحمته الله ایشان را مورد عنایت و تشویق قرار داده و از سوی معظم له به ایشان جایزه ای اهداء می‌گردد.

معظم له با عنایت خداوند و توجه حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» روز به روز به مدارج عالیّه صعود کرده و با همت عالی در محضر مراجع بزرگوار شیعه همچون حضرات آیات عظام بروجردی، محقق داماد و امام خمینی کسب فیض می نمودند و با جدیت مشغول تحصیل و تدریس و تألیف بودند، و در شهر مقدس قم به درجه عالیّه اجتهاد نائل گردیدند.

معظم له شاگردان لایق و فاضلی تحویل جامعه می دهند که بیشتر شاگردان ایشان از اساتید به حساب می آیند که با توجه به تربیت ایشان به مدارج عالیّه نائل شده اند و به مناصب قضائی راه یافته اند.

## اخلاق:

«انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»<sup>۱</sup>

هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «بر انگیزته شدم تا فضایل اخلاقی را بر سر حد کمال برسانم» حقیقتی را در دین مبین اسلام هویدا کرد که تا آن زمان مخفی مانده بود و آن حقیقت چیزی نیست مگر ارتباط محکمی که میان دین و اخلاق وجود دارد، بطوریکه حتی کوچک ترین جزء شعائر اسلامی دارای فضیلتی اسلامی می باشد؛ به عبارت دیگر دین به تنهایی و جدای از مرز اخلاق نمی تواند دین کامل و مستحکمی باشد، همین طور است اخلاق بدون دین، و همین طور قسمتی از موارد احکام به موارد اخلاقی عرضه می شوند تا مشخص شود که چه اتصال و پیوند ناگسستنی میان اسلام و فضایل اخلاقی وجود دارد. بنابراین کسی که دارای فضایل اخلاقی نباشد، دین ندارد.

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، ص ۱۸۷.

## آری،

همانگونه که جسم بی جان ارزش ندارد، صفات اخلاقی تا زمانی که دارای روح نباشند فاقد هر گونه ارزشی می باشند، زیرا فقط دانستن صفات خوب و بد برای انسان سودی ندارد. هر چند انسان در دسته بندی آنها تخصص کامل داشته باشد.

آنچه برای انسان مفید است ملکه و نیرویی است که بر اثر تکرار و تمرین در انسان بوجود می آید بطوریکه صفات پسندیده در روح انسان ثبت و صفات زشت از روح و روان انسان دور شود.

چنانچه پیامبر بزرگ رحمت می فرماید: «حسن خلقك يخفف الله في حسابك» اخلاقت را نیکو کن تا خداوند حساب روز جزایت را سبک بگیرد.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الانوار ج ۷۴ ص ۳۸۴

و همچنان می فرماید: «ما من شیء اثقل فی المیزان  
من حسن الخلق» در ترازوی عمل چیزی سنگین تر از  
خوشخویی نیست»<sup>۱</sup>.

بنابر این واژه گران قیمت اخلاق که خود سیره نبوی است با  
قاطعیت در دین مبین اسلام به کار رفته است و این صفت  
عالیه دارای فروعی است، که هر کدام هدایت کننده انسان  
بسوی سعادت و فلاح است، تا فرد به سوی پیشرفت یک  
انسان کامل سوق داده شود.

و همین سجایای اخلاقی است که سبب رشد و ترقی بشر  
می شود که یکی از مصادیق بارز این وصف عظیم حضرت  
آیت ا... العظمی سید یوسف مدنی تبریزی است که  
اخلاق پسندیده آن عالم ربانی، و چهره باز و نورانی اش،  
مملو از عطوفت و شرافت است، وقتی انسان به سیره  
اخلاقی معظم له برخورد می کند، می یابد که خوشرویی او  
در نهایت از ارکان اخلاقی برخوردار است.

---

۱. وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۱۵۲

۱۸ ..... گوهری از تبار صالحان

همه کسانی که توفیق ملاقات و زیارت محضر شریف ایشان را داشته اند، می دانند که تواضع و فروتنی ایشان انسان را به سیره نبوت و ولایت هدایت می کند.

با توجه به اینکه خود یکی از مراجع عظیم الشان تقلید است و از عظمت و ابهت والایی برخوردار است، وقتی کسی به او وارد گردد همه اقشار مردم را استقبال می کند و اگر کسی از حضورش مرخص گردد حتی تا دم درب منزل بدرقه می کند، که این وصف در معاصرشان از هیچ مرجع تقلید دیده نمی شود.

امورات دفترش را خود غالباً به عهده دارد: از قبیل پاسخ در مراجعات، جواب در حل مسائل و استفتائات حضوری و بررسی استفتائات کتبی...

یکی از ویژگی های اخلاقی معظم له مبارزه با تجملات امروزه است، و ساده زیستی و پاکی روح از اوصاف بارز ایشان تلقی می شود.

معظم له توجه و عنایت ویژه به روحانیت و آقایان طلاب دارد که حتی طلبه را از خود نا امید نمی کند و جواب رد نمی دهد و لو با اندکی مساعدت با چهره بشاش در مسائل طلاب دقت دارند.

### بی رغبتی به دنیا:

قال امیرالمومنین علیه السلام «علیک بالآخرة تأتک الدنيا صاغرة»<sup>۱</sup>  
امیر المومنین علیه السلام می فرماید: تو مراقب آخرت خود باش، دنیا خودش ذلیلانه پیش تو می آید.

مهم ترین مانع کمال آدمی، وابستگی و دلبستگی به دنیا است. این حالت اگر بر روح انسان حاکم گردد، تمام ارزشها را تحت الشعاع قرار می دهد و از فروغ آنها می کاهد. برای رهایی از جلوه های فریبنده دنیا و مظاهر مادی، راهی بهتر از زهد و ساده زیستی نیست.

---

<sup>۱</sup>. غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۴۴.

۲۰ ..... گوهری از تبار صالحان

انسان زاهد با بی رغبتی به دنیا، آزاده ای که بی تکلف زیسته، بدون تملق راه زندگی را می پوید. از ویژگی های دوستان خدا آن است که بدون دنیا می نگرند. آنگاه که مردم برون آن را می بینند و به فردای خویش می پردازند و یا خود را سرگرم امروز ساخته اند و با غفلت خود را در ظلمت تشریفات و تجملات دنیوی فرو می برند و غرق در دنیا طلبی و سرگردان فریب دنیا می گردند.

اما معظم له با زهد و بی رغبتی به دنیا زندگی اش را ادامه داده اند که بر هیچ کسی پوشیده نیست که او با بصیرت و نورانیت دل و حکمت، راه معرفت الله را درك کرده است که تا خود به قله بلند کمال قدم نهاده است. معظم له خود را از تجملات و تشریفات زندگی به دور نگهداشته است و در هیچ شرایطی گرفتار تشریفات دنیوی نشده است.

دفتر ایشان در قم برای همه اقشار معلوم است که از هیچگونه تجملات برخوردار نیست و ساده زیستی ایشان

مردم را به سوی معنویت هدایت می کند.

بارها خودم به ایشان پیشنهاد دادم که در سایر استان ها، یا در کشورهای اسلامی که از ایشان تقاضا نمودند دفتری تأسیس نمایند که ایشان این اجازه را ندادند که کسی به عنوان دفتر ایشان، دفتری باز کند. حتی در خود قم صلاح نمی دیدند که دفتری برای ایشان مهیا گردد که در نهایت با اصرار علما که در جوار ایشان و در محضرشان هستند اجازه دفتر قم را صادر کردند.

این نهایت ساده زیستی و بی رغبتی ایشان، در امور دنیا طلبی و تجملات و تشریفات دنیا باعث شده است که عزت و عظمت معظم له روز به روز اقتدار پیدا کند و با تهجد و پاکی نفس ایشان برای اقامه احکام خدا و خدمت به مکتب اهل بیت علیهم السلام قدم بر می دارند.

## تألیفات:

قال عزّوجل: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾<sup>۱</sup>: «سوگند به قلم و آن چه می نویسند.»

یکی از سوگند های قرآن، قسم به قلم است همانگونه که در آیه فوق اشاره شده است .

باید دید چه کاری از قلم ساخته شد و در امور جامعه چه کاربردی دارد و از این روی خدای سبحان به او اشاره کرده است؟

اولاً بدون تردید قلم جز برای نوشتن کاربرد دیگری ندارد. زمانی اثر شایستگی او معلوم می شود که سوگند به او یاد شود که حضرت حق به او سوگند یاد کرده است و تمام حقایق دینی، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و خیلی از مکنونات قلبی را در قالب نوشته به همگان عرضه کند.

یا اینکه در حدیث شریف نبوی آمده است: «قیدوا العلم

---

۱. سوره قلم، آیه ۱.

بالکتابه» دانش را با نوشتن مهار کنید.<sup>۱</sup>

در هر حال يك قدرت و يك قداست عظیم در قلم نهفته است که از احترام خاص و جایگاه بلندی برخوردار است. و گاهی همین قلم سبب رشد و ترقی بشریت می شود که از راه نوشتن به مقامات عالیہ صعود کند، نمونه ای از این مقام عالی تألیفات و تصنیفات معظم له است که خود بحری از علوم، و خدمت بر مکتب اهل بیت علیهم السلام است؛ شایسته است در این بخش متذکر شوم که ایشان در علوم فقه و اصول و ادبیات و اخلاق کتاب هایی را نوشته اند که ما به چندی از تألیفات شان اشاره می کنیم.

### الفوائد الادبية:

اولین تألیف معظم له این کتاب است که در سن جوانی در تبریز نوشته اند، کتاب فواید الادبیه که خود یکی از کتب مسلم ادبیات عرب به حساب می آید و از ویژگی های

---

<sup>۱</sup> . تحف العقول، ص ۳۴.

بارزی برخوردار است و اساتید برجسته ادبیات از آن استفاده می کنند.

### توضیح المطول:

این کتاب که شرح بر مطول است، و تقریظی از مرحوم علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبایی صاحب تفسیر شریف المیزان بر آن درج شده است در حوزات علمیه قم، نجف اشرف و مشهد مقدس مورد استقبال علما و اساتید قرار گرفته است.

### درر الفوائد فی شرح الفوائد:

این کتاب شریف که شرح بر رسائل مرحوم شیخ اعظم انصاری رحمته الله است در هفت جلد جمع آوری شده و چاپ گردیده است.

این کتاب با دید اجتهادی بررسی شده است و در آن عصری که چاپ اول کتاب به دست فقها و مراجع عظام می رسد مؤلف در محضر مراجع آن زمان مثل حضرت آیه الله

العظمی بروجردی رحمۃ اللہ علیہ جایزه کسب می نماید و طلاب اصولی برای تحقیق و مطالعه این کتاب تشویق می شوند تا اینکه چهار نوبت کتاب به چاپ رسید. شایان ذکر است که این کتاب شریف برای اساتید برجسته حوزه مورد استفاده است.

آقایان و فضیلابی که آشنایی کاملی با کتاب شریف رسائل دارند درك خواهند کرد که آنچه در درر الفوائد آورده شده است نه تنها شرح است بلکه باز کردن اشکالات کتاب و بعد هم پاسخ دادن به اشکالات و رفع و دفع نکاتی که قابل حلاجی نیست.

اینجانب<sup>۱</sup> با مطالعه این کتاب در حیرت افتادم به اینکه خیلی از مطالب در رسائل است که به سختی اساتید به آن می رسند و می توانند بررسی کنند اما در این کتاب آنچنان مطالب مهم بررسی شده است که با يك نگاه مطالب را باز و گویا می فهماند.

---

<sup>۱</sup>. نویسنده.

و با دیدن این کتاب به خیلی از اساتیدم مراجعه کردم و مطالب را مورد مباحثه قرار دادم تا اینکه از اساتید خودم و بلکه از بعضی از مراجع تقلید به من این توصیه می شد که این کتاب خیلی برای رسیدن به مقامات والای علمی مؤثر است و مؤلفش با دید اجتهادی و علمی به این کتاب دقت کرده؛ برای اساتید و طالبان علوم دینی و اصولی توصیه می شود که از این کتاب شریف استفاده نمایند.

### حاشیه بر عروۃ الوثقی:

آنچه برای امتیاز و برتری و اعلی‌ت مراجع بزرگوار تقلید برای فضلاء و علمای خبره قابل دقت است با حاشیه عروۃ و دیگر کتب استدلالی در علوم دینی روشن می شود. این کتاب در دو جلد بوده و دو مرتبه چاپ شده است.

و ملاکات مسائل در این حاشیه شریف با جدیت، مورد پسند فقها قرار گرفته است و از شخصیت های علمی که شایستگی خبریّت را دارند انتظار می رود برای مطالعه این

کتاب (که در این عصر با توجه به اینکه تشخیص مرجعیت دینی به سختی برای مردم معلوم می شود) برای آگاهی و راهنمایی، دقت بیشتری به کار ببرند.

### منهاج الاحکام:

منهاج الاحکام در احکام نکاح و طلاق بررسی شده است که این کتاب شریف پنج مرتبه به طبع رسیده است. این کتاب با توجه به اینکه خود کتاب استدلالی محکم در فقه اسلامی است و در بعضی حوزات علمیه به عنوان کتب درسی به حساب آمده، تدریس می شود.

در این کتاب گذشته از احکام، اجزاء صیغ عقود را با گسترده گی بیان کرده اند که تا کنون هیچ کسی از ارباب فن در این علم بیان نکرده است. و بدون تردید باید گفت که در باب نکاح و طلاق با آراء و استدلال سنگ تمام گذاشته اند.

### الارشاد الی ولایة الفقیه:

این کتاب که از تألیفات قبل ایشان به حساب می آید مورد استقبال شدید علماء و فضلاء حوزه قرار گرفته و در بُعد خود زبان زد عالمان دینی است.

### رساله توضیح المسائل:

رساله توضیح المسائل معظم له بنا بر درخواست مقلدین ایشان در سی و نه نوبت به چاپ رسیده است.

### مختصر الاحکام:

این کتاب گرفته شده ای مختصر از فتاوی معظم له می باشد که خلاصه ای از توضیح المسائل است.

### المسائل المستحدثة:

کتاب شریف المسائل المستحدثة در چهار جلد بوده و نه مرتبه مورد طبع قرار گرفته است، این کتاب شریف با توجه به اینکه استفتائاتی از معظم له است، پاسخ گوی اهم و اکثر

گوهری از تبار صالحان ..... ۲۹  
مسائل شرعی می باشد.

در این کتاب در پنجاه موضوع فقهی به سه هزار و سی مسئله پاسخ داده شده و با قاطعیت باید گفت که خیلی از مسائل ضروری جامعه بررسی شده و جواب داده شده است.

### الفوائد القمیه:

کتاب الفوائد القمیه که در اطراف مسائل عبادی سخن به میان آمده (قرآن، دعا و ذکر...) و آقایان علماء و فضلاء و محصلین علوم دینی بیشتر مورد خطاب قرار گرفته، خیلی از نصایح و توصیه های معظم له در موضوعات فوق مورد تأکید قرار گرفته است.

لذا این کتاب از ویژگی های خاصی برخوردار بوده و به زبان عربی چاپ شده است و در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی قابل استفاده می باشد.

### کتاب القضاء:

یکی دیگر از تألیفات معظم له می باشد که در مسائل قضا جمع آوری شده است.

با توجه به اینکه در فقه اسلامی سخت ترین و مهم ترین و پر مسئولیت ترین موضوع قضاوت می باشد و این امر مهم اسلامی در جامعه خیلی مورد نیاز هم می باشد، لذا معظم له در این کتاب با نگاه اجتهادی بحث قضاوت و قضات را بررسی نموده و رهنمودهای علمی ایشان در این کتاب خیلی قابل استفاده می باشد.

### قواعد الاصول:

کتاب قواعد الاصول یکی از آثار برگزیده ایشان است که در آن کتاب یکصد و پانزده قاعده اصولی در مباحث عقلیه بررسی شده است و نکات اساسی اصول مورد بحث است.

در اوائل این کتاب بابی به عنوان «العجب ثم العجب» مطرح است، که شرایط اجتهاد و مجتهد بررسی شده است.

- کتاب الجهاد فی بیان حکم اقسامه.
- کتاب الدفاع فی بیان حکم اقسامه.
- رسالة فی حکم المفسدین فی الارض.
- رسالة فی المحارب فی بیان احکام اقسامه.
- رسالة فی اقسام القتل.
- رسالة فی قاعدة لاضرر.
- رسالة فی علم غیب الائمة عليهم السلام تفصیلاً.

و آثاری که به چاپ نرسیده:

۱- شرح حاشیه ملا عبد الله

۲- شرح معالم الاصول

۳- شرح مکاسب

۴- شرح کفایة الاصول

حضرت آیت الله العظمی مدنی تبریزی اسوه استقامت و فقاہت، عمری است در راه مکتب اهل بیت عليهم السلام با سخن

گویای قلم خدمت می نمایند، و این در حالی است که معظم له از دوران پر بار جوانی تا کنون مشغول تدریس و نوشتن بوده اند و حدود شصت سال در شهر مقدس قم در جوار پر افتخار کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام مشغولند و معظم له هر مطلبی را که تلمذ می فرمودند به نوشتن می پرداختند.

قلم پر بار ایشان از عصر طفولیت و اوائل طلبگی تا کنون که عرصه فقاہت و اجتهادشان است، در راه خدمت به اسلام در موضوعات مختلف علمی و اخلاقی و اجتماعی و ... سیر نموده است؛ لذا خیلی از تألیفات معظم له به چاپ نرسیده و در اینجا نیز متذکر نشدیم و خلاصه ای از آثار برگزیده ایشان را مطرح نمودیم.

انشاءالله خداوند متعال برای ایشان طول عمر با برکت و باعزت عطا فرماید تا بقیه آثار مبارکشان به طبع برسد.

## ثقافت:

واژه ی ثقافت به معنی استادی و بهروزی از علم و ادب و دانش است. یعنی در حقیقت هر علمی که آموخته شد باید به دیگران تعلیم شود و عالم باید از علمش استفاده کند.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: مؤمن با رکوع و سجود شناخته نمی شود، مؤمن کسی نیست که بر پیشانی او پینه بسته باشد یا مقید باشد که نماز را اول وقت به جماعت بخواند، بلکه مؤمن کسی است که تفکر و اندیشه علمی اش عزمی آهنین داشته باشد و با صلابت اراده حرکت کند، رفتار او در جهت رشد دیگران باشد که «من اعتدل یوماه فهو مغبون»<sup>۱</sup> کسیکه هر دو روزش یکسان باشد زیانکار است.

لذا هر انسانی که در راه تعالی بشریت با اراده و اخلاص حرکت کند یا عالمی در راه رضای خدا از علمش استفاده کند از خوبان خواهد بود.

---

<sup>۱</sup> . بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۷.

حضرت استاد یکی از چهره های بزرگ علمی است که در راه خدمت به مکتب اسلام صدها شاگرد برجسته علمی در ابعاد مختلف علوم اسلامی تحویل جامعه داده اند، بلکه هر لحظه با او درس است، رفتار و کردار کریمه و تواضعانه ایشان خود مربی تربیت انسان است در هر جا که در محضرش مشرف شوی بحری از علوم را می شود استفاده کرد.

گاهی بلکه اکثر حالات پیش می آید؛ کسانی که معظم له را ملاقات می کنند، ایشان با حدیثی از معصومین علیهم السلام یا مسئله ای از احکام شرعی یا نصایح و مواعظ انسان را از ارشادات و سجایای اخلاقی اش بهره مند می گردانند.

### جامع الشرایط:

کسی که صفات و شرایط لازم برای انجام کاری را داشته باشد واجد شرائط گویند، این کلمه در اوصاف علماء و مراجع عظیم الشان تقلید بکار می رود، یعنی از تمام صفات

و شرائط مرجعیت برخوردار باشد که بعنوان يك مرجع تقلید واجد شرائط در جامعه مطرح گردد و مقلدین او از آن مقلد واجد الشرائط خود تقلید در احکام شرعیه کند.

این وصف گران بها از ویژگی های معظم له است که با توجه به اینکه ایشان از آن چند شرط را که فقهای اسلامی برای صحت يك مرجع می دانند برخوردارند بلکه اطلاعات علمی ایشان در ابعاد مختلف علوم اسلامی در حد تخصص کامل است، ایشان در فقه، اصول، تفسیر، رجال، حدیث، ادبیات و ... استاد و مربی هستند.

یکی از ویژگی های بارز معظم له این است که با توجه به مشغولیت وقت در تمام امورات فتوایی و تحقیقی ایشان اندکی از تألیف باز نمی ماند، معظم له همانطوری که متذکر شدم تألیفات زیادی دارند که امتیاز در آثار علمی ایشان، ابتکار در قواعد علمی و تفهیم علوم است.

پس می‌توان گفت که معظم له یکی از چهره های عظیم علم و فقاہت در عصر معاصر بوده و واجد شرایط در تمام علوم اسلامی است.

### حلم:

﴿بشّرناه بغلام حلیم﴾<sup>۱</sup>: ما او (ابراهیم) را به نوجوانی بردبار و پر استقامت بشارت دادیم.

راغب گوید: بعضی آنرا عقل گفته اند ولی معنای اصلی آن عقل نیست، بلکه عقل از مسببات آن است یعنی عقل از بردباری است.

«حلیم» ضد غضب است، که به معنای بسیاری بردباری است این حکم مجموعاً ۱۵ بار در قرآن کریم استعمال شده یازده بار درباره خداوند و ۴ بار هم درباره ابراهیم، اسماعیل، شعیب آمده است.

---

۱. سوره صافات، آیه ۱۰۱.

پیامبر ﷺ می فرماید: «الحلم رکن العلم» یعنی حلم اساس و پایه و اصل علم است. پس این وصف خیلی مهم و قابل تأمل است، زیرا اوصاف عالمان و دانشمندان با این رکن رقم می خورد، و عالم را که با مایه حلم توصیف می کند، این وصف از مهمات در علم قرار دارد.

این وصف گرانبها با صراحت از ویژگی های معظم له است و به خوبی از ایشان دیده می شود و مصداق بارز حلم قرار گرفته اند، این وصف را مسلماً از ایشان می بینیم.

آنقدر او بر خشم و غضب غالب است که چهره نورانی وی را همیشه متبسم می یابیم و در تمام امورات با حلم و خوشرویی و مهربانی و محبت با مردم رفتار می نماید، که همین وصف زیبا او را زبان زد خاص و عام کرده است.

### خشوع:

﴿الم یان للذین امنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من

الحق﴾<sup>۱</sup>

آیا هنگام آن نشده برای کسانی که ایمان دارند، که دل‌هایشان در برابر خدا و آنچه که از حق فرود آمده بشکند و متأثر شود.

قرآن مؤمنین را ترغیب می‌کند که خشوع و دلشکستگی را کسب کنند و سنگ نباشند و در برابر حکم خدا، آیات الهی، حق و حقیقت، خاضع و خاشع باشند. «خشوع» جزء صفات بارز و برجسته انسان شایسته به شمار می‌آید، کسانی که دل‌ها و اندام و اعضایشان در برابر یاد خدا نرم می‌شود، خصلتهایی است که از خشوع دل حکایت دارد.

---

۱. سوره حدید آیه ۱۶.

اما دل بستگی به دنیا و تعلق به مادیات، انسان را نسبت به مسائل معنوی سخت دل و غیر قابل انعطاف می سازد و این نه تنها در عواطف و احساسات؛ بلکه نسبت به دیگر ابعاد روحی، روانی تأثیر خود را می گذارد و باعث قساوت قلب می شود که دارای دو عامل است؛

۱- عامل مادی که بیشتر با بدن ارتباط دارد،

۲- عامل روانی که عبارت است از تعلق دل به آنچه که احساسات معنوی و امور اخروی تعارض و تزاحم دارد.

شخصیت وارسته علمی حضرت آیت الله العظمی مدنی یکی از چهره های خاضع و خاشع در برابر خداوند و آیات قرآن و اهل بیت علیهم السلام و اوامر آنهاست و با خشوع و قلب مطمئن و صفای روح زندگی می کند.

با جدیت باید گفت که ایشان همیشه در مراحل زندگی خاضعانه و توأم با خشوع به درگاه خدا و اطاعت او قدم می گذارد و خشوع را از اهم اوصاف به خود می پندارد.

## دانش اندش:

اولاً دانش چیست؟

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: شخصی خدمت حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمد و از حضرتش سؤال کرد:

علم چیست؟

سکوت و لب فرو بستن.

دیگر چیست؟ لب فرو بستن برای گوش دادن و سخن را پذیرا بودن.

دیگر چیست؟ حفظ کردن؛ یعنی پس از خموشی و گوش دادن آن را حفظ کردن و نگهداری کن که این امر بوسیله نگاشتن تحقق می‌یابد، چرا که با نوشتن، مطالب حفظ می‌شود و از گزند نابودی در امان می‌ماند.

دیگر چه؟ عمل به دانسته هاست، بدین معنی که علم عالم با عمل همراه باشد (البته روشن است که منظور از عالم کسی است که دانش خود را از مبدء وحی گرفته، حلال و حرام را بفهمد و بدان عمل کند).

### دیگر چه؟

در اینجا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مهم ترین وظیفه دانشمند را گوشزد کرده، فرمودند: نشر آن است.

پس نشر دانش را نمی‌شود بدون تأمل در دانش نشر کرد. معظم له همیشه در مراحل علمی خود حتی در کرسی فتوا آنقدر با دقت و تأمل می‌نگرد که یعنی آنچه در مد نظرش می‌باشد برای تحکم حکم است ولی باز هم فحص و دقت در حکم را کنار نمی‌زند.

چنانچه در استفتاءات معظم له بارها برخوردیم ایشان جواب را از حفظ نمی‌دهند تا اینکه به کتاب‌های فتوایی خود مراجعه کرده و بعد از اندیشیدن دقیق، اداء جواب می‌فرماید.

### ذی ملاحظت:

صاحبان لطف و احسان و مهربانی از فیوضات وافر  
برخوردارند، گاهی همین ویژگی، باعث رشد و ترقی و  
تکامل او در جامعه انسانی می‌گردد.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «من احسن الی الناس  
حسنت عواقبه و تسهلت له طرقه»<sup>۱</sup>؛

هر که به خلق احسان کند عاقبت امورش نیکو شود و راه  
های صعب و مشکل امور بر او آسان گردد؛ یعنی کسی که  
کارش احسان و خیر خواهی و احسان به خلق است، خدا  
مشکلات عالم را بر او آسان کند، یا مشکلات عواقب امور  
را که عقبات برزخ و قیامت است بر او آسان کند.

انسان باید در زندگی با بنده های خدا با محبت رفتار نماید

---

<sup>۱</sup> - غرر ودرر ص ۲۸۹ ط نجف اشرف.

و با کمک و مساعدت و لطف و احسان در بین بندگان  
خدا زندگی کند.

و آنچه محبت کند از جای دیگر به او لطف و مرحمت شود  
و مزید و مضاعف به او محبت خواهد شد، زیرا وقتی نیکی  
به مردم برای نجات قرار بگیرد او را وظیفه قرار دهد.

وجود مبارك این چهره گران قیمت علمی از این ویژگی  
برخوردار است و همیشه با لطف و احسان با مردم رفتار  
می نماید و از خیر و محبت باز نمی ماند؛ بطور مثال اگر  
طلبه کم بضاعت به ایشان مراجعه کند دست رد به سینه او  
نمی زند حد الامکان با محبت خوشرویی مساعدت می کند  
گاهی پیش آمده هر که به محضرش شرف یاب شده حتی با  
اندک مساعدت با بندگان خدا رفتار نموده است.

معظم له خود را به خوبی مصداق حدیث شریف فوق قرار  
داده است.

## رفیع:

﴿يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات﴾<sup>۱</sup>  
«خدا» رتبه کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی که دانشمندند بر حسب درجات بلند گرداند».

## آری:

اساس امتیاز و فضیلت انسان که عامل عظمت و شخصیت او می شود و به منزلت و مقام عالیه صعود می کند، بر درجات عالیه او است.

یا اینکه آنچه عظمت انسان را در پیشگاه الهی فوق درجات بالا می برد، تقوا است؛ تقوا همان ملکه ای در انسان های پاك است که می تواند آنان را از لغزشها و گناهان باز دارد.  
یا اینکه اگر ابعاد زندگی يك انسانی را مورد مطالعه قرار دهیم و او از راههای معنوی خود را به درجات رفیع رسانیده

---

<sup>۱</sup> - سوره مجادله، آیه ۱۱.

باشد، می یابیم که سر منشأ همه خوبی های او در محضر خدا در مرحله اول (ملاك اصلی) تقوا است.

بزرگترین درجه انسان بعد از تقوای الهی علم برای معرفت الله است که اگر يك عالم ربّانی بخواهد خود را به مقام و درجه عالی برساند و خود را به قله رفیعی از درجات انسانیت برساند، کسب علم با آگاهی کامل و تلمذ خود را در راه رضای خدا انجام دهد و خدمت به خلق خدا کند.

عالم ربانی و فقیه صمدانی حضرت آیت الله العظمی مدنی تبریزی مد ظله العالی از این درجه عالی آنچنان برخوردار است که علم و فضل و ورع اش او را به عظیم ترین قله رفیع فقاقت صعود داده و از شاخسار علم و تقوا توشه بر داشته است و با عزم استوار به عرصه رفیع مرجعیت شیعه قدم گذاشته است، او عمری را در راه خدمت به دین مقدس اسلام تلاش کرده و با قلم گویا در ابعاد مختلف دین مبین اسلام قلم فرسایی نموده و مراحل خدمت را طی

نموده و با شکوه و اقتدار علمی و با عزت و عظمت، این  
فخر عظیم را کسب نموده است.

### زعامت:

واژه زعامت: به معنی شرف و بزرگی است.

به یقین ایشان یکی از استوانه ها و اساس و از ارکان و پایه  
های عمده حوزه علمیه قم به حساب می‌رود، شخصیت  
عظمی و علمی و اجتهادی که سالیان طولانی حجره های  
حوزه علمیه قم خاطرات تدریس او را به یاد دارد و با  
تواضع و فروتنی، بدون تجملات و گیر و کش، معاصر ما او  
در صندلی تدریس و تعلیم و تربیت تکیه داده و شاگردانی  
را از مکتب امام صادق علیه السلام با موفقیت تحویل جامعه  
اسلامی داده است.

انسانها در بسیاری از موهبات الهی، به ویژه در داده های تکوینی، مساوی آفریده شده اند، اما دنیا، بستر تکامل و میدان رقابت بنی آدم است و به طور طبیعی و قطعی، برخی بر برخی دیگر سبقت گرفته، برتری می یابند، دارای فضایل بیشتری می شوند و برازندگی پیدا می کنند. این پدیده حتی در بین انبیاء نیز وجود داشته است.

با آنکه آن فرزندگان از نظر روحی و عقلی در افقی نزدیک به یکدیگر قرار دارند قرآن می فرماید:

﴿و لقد فضلنا بعض النبیین علی بعض﴾<sup>۱</sup> به طور قطع برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری دادیم.

حال آنکه همه مراجع بزرگوار شیعه همه از هر نظر قابل تکریم هستند و باید گفت محوریت حوزه های علمیه شیعه به حساب می آیند، اما وجود شریف این چهره عظیم الشان جهان تشیع از بارزترین استوانه های علمی حوزه علمیه قم است.

---

<sup>۱</sup> - سوره اسراء، آیه ۵۵.

### سعادت:

دانشمندان برای رسیدن به سعادت دو نظریه ارائه داده اند، يك عده به اصالة الاقتصاد معتقدند و گفته اند: بشر برای رسیدن به وادی سعادت از جهات مادی مشکلی نداشته باشد و سعادتمند کسی است که از نظر مالی در رفاه و آسایش باشد.

در مقابل فلاسفه می گویند: که سعادت برای انسان این است که روح و روان خود را از عوارض مادیت جدا کند و روح و روان خود را صرف در امور معنویت کند.

اسلام با این نظر، نظرات فوق را خطا و اشتباه می دانسته می گوید: سعادتمند در دنیا کسی است که هم به امور دنیوی توجه داشته و هم به امور اخروی.

دنیا و آخرت هر دو را به نحو متعادل داشته باشد، چرا که تنها توجه به مسائل دنیوی و اقتصادی، سعادت انسان را تضمین نمی کند و نیز تنها توجه به امور معنوی نمی تواند

انسان را به سعادت برساند.

فقیه عظیم الشان، با تعلیم و تربیت شاگردان و با تألیف، کتابهایی را به اسلام تحویل داده که ثمره عمری تلاش است و از آثار برگزیده علمی و تربیت شاگردان فاضل و عالم بر خوردار است که خود این نکته را می رساند که با تلاش و سعی در راه خدمت به اسلام با تأمل ویژه نگریسته است.

و از این رو او از اول سنین جوانی و طفولیت در يك خانواده متدین و دینی و ثروتمند و غنی قدم به عرضه علم گذاشته و تا این لحظه از فیض نعمت رب بهره مند بوده است.

با جدیت باید گفت که معظم له خود قدم به شاخسار سعادت گذاشته و از نعمت عظیم پروردگار فیض برده است.

### شجاعت:

حضرت امام کاظم علیه السلام می فرماید: «نحن فی العلم و الشجاعة سواء»<sup>۱</sup>  
دانش و دلیری ما یکسان است؛

طبق سخن شریف و گهر بار امام کاظم علیه السلام علم و شجاعت، رابطه ای تنگاتنگ دارند و آنکس که معرفت و دانش بیشتری دارد از زیبایی شجاعت بیشتری برخوردار است.

عالمان اخلاق می نویسند:

شجاعت، اطاعت قوه غضب انسان از عقل او است؛ در اقدام بر کارهای خطرناک و عدم نگرانی آن قوه، در ارتکاب آنچه در مقتضای خواست عقل است.

بدون تردید شجاعت از ملکه های گران قدر و عالی ترین صفت کمال است و کسی که فاقد شجاعت است، در واقع بویی از مردانگی نبرده است.

---

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۵۷.

روایات اسلامی تصریح دارند: که شجاعت از صفات مؤمن است، این صفت خوب و ویژگی ناب را می توان از ویژگی های معظم له قلمداد کرد زیرا یکی از اوصاف بارز ایشان شجاعت است، شخصیت عظیم آیت الله العظمی مدنی با ایستادگی کامل در مقابل طاغوتها بود و آن حکومت منکوب شده ستم شاهی را يك حکومت غیر اسلامی و غیر قانونی می دانست و همیشه با آنها در مبارزه بود.

معظم له برای اقامه احکام اسلامی هیچ گاه عقب نمانده است، بلکه برای تحکم حکم خداوند و اقامه احکام شرعیه چه در مقام استدلال و چه در مقام فتوی با جدیت و قاطعیت برخورد کرده و حکم خدا را بیان داشته است که هیچ گاه در این موضوعات شجاعت را از دست نداده است.

### صفا:

﴿لقد جائكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص  
عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم﴾<sup>۱</sup>

همانا پیامبری از خودتان بر شما مبعوث شد که آنچه شما را  
رنج می دهد بر او گران است سخت به شما دل بسته و با  
مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

از ویژگی های رهبری و مرجعیت که قرآن آنرا از صفات  
بارز پیامبر رحمت ﷺ بر شمرده، ملاطفت، مهربانی و دل  
سوزی رهبر نسبت به امت است که در آیه شریفه فوق اوج  
این صفت ترسیم شده است.

عالمان و فقهای دینی همان حکم را دارا هستند و در بین  
مردم با مهربانی و صفا برخورد می نمایند.

---

<sup>۱</sup> - سوره توبه، آیه ۱۲۸.

یکی از این وارثان فقیه عظیم الشأن حضرت آیت الله العظمی مدنی است که می‌شود گفت صفا و محبت و دوستی و مهربانی از اوصاف و سجایای بارز اخلاقی ایشان است، بدون تبعیض و بطور مساوات به بنده های خدا و مسلمانان عنایت دارد.

مرجع بزرگوار همیشه با مردم مهربان است و با ملاطفت و عطف بر خورد می‌نماید، در محضر او کسی احساس خستگی ندارد و خود نیز از خدمت به خلق خدا احساس خستگی نمی‌کند، ساعت ها با اقشار مردم ملاقات دارد بدون محدودیت خاص، و با محبت با بندگان خدا رفتار می‌نماید.

معظم له با چهره نورانی و باز، پاسخگوی مردم و مقلدین و مراجعین خود است، گاهی پیش آمده است که برای خدمت به مردم خود قد علم می‌کند، با اینکه اطرافیان از اجلات هستند که برای رفع مشکلات مراجعین منصوب شده اند باز

۵۴ ..... گوهری از تبار صالحان  
هم خودشان برای خدمت به مردم با محبت و صفا و  
تواضع دست بر نمی دارد.

### ضیاء و نورانیت دل:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: هیچ بنده ای چهل روز متوالی قدم  
در وادی اخلاص ننهاد جز آنکه چشمه های حکمت و  
معرفت از قلبش بر زبانش جاری می شود<sup>۱</sup>.

به راستی نورانیت دل و نفس مسیحایی و قلب مطمئن برای  
انسان، از خدا محوری و الهی بودن به دست می آید که  
انسان به کسب این مقام عالی و همت عالی دلش را خزینه  
ای از اسرار قرار داده جز محبت الله و عشق به سوی رضای  
او گام بر نمی دارد.

جلوه هایی از اخلاص، با توکل بر او قلب انسان از ظلمت  
رهایی پیدا کرده نورانیت قلبی در وجودش می درخشد و با  
این ملائک در عالم اشراف پیدا می کند.

---

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴.

وجود گرانمایه این عالم ربانی که آمیخته ای از نورانیت است با ضیاء دل راه سعادت خدا محوری را در پیش گرفته است و از نورانیت دل به جایی تکیه داده که مقام والای او عزت و کرامت را در وجودش ظاهر ساخته و راه های کسب عزت و کرامت جلوه هایی از وارستگی، با اعتماد به نفسش عظوفت و حسن خلق و الگوگیری از اولیاء الله را درك کرده است.

چهره ای که مملو از نورانیت است و اسوه خوبی ها، درخشش آن سراج منیر، فراگیر است.

### طاعت:

قال امیر المؤمنین علیه السلام «من عرف الله سبحانه توحد و من عرف نفسه تجرد و من عرف الدنيا تزهد و من عرف الناس تفرد»

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: کسی که خدا را شناخت، موحد شود؛ و هر که خود را شناخت مجرد از امور دنیوی گردد، و هر که دنیا را شناخت در او زهد ورزد و اعراض کند.

بلی: هر کس خداشناس شود و به یکتایی و یگانگی او معترف شود و موحد حقیقی گردد (و موحد حقیقی تمام توجه و شوق و عشق و دل او به خدا است) و هر حاجت از او خواهد، بلکه حاجتی جز خدا ندارد.

یا اینکه اگر خدا را شناخت می داند خدا موجود واحد بسیط تام کامل غنی بالذات و فوق التمام و فوق نامتناهی است و اگر او را شریک باشد مرکب شود از ما به الاشتراك و ما به الامتیاز و مرکب مسبوق و محتاج به اجزاء است و شیئی محتاج، غنی بالذات نیست. پس معرفت خدا لازمه اش توحید او در علم و عمل است، و هر که خود را شناخت مجرد از همه چیز شد و تنها به تکمیل ذات خود پردازد، هر که دنیا را شناخت از دنیا رو بگرداند و در او زهد ورزد، و هر که مردم را شناخت عزلت از خلق گزیند و بنده صالح خدا که بخواهد طاعت او را انجام دهد، معرفت کامل به توحید او پیدا کند.

مرجع عظیم الشان و زاهد وارسته یکی از بندگان صالح خدا و مطیعان درگه خدا است؛ او که عمری با توکل به او در راه کسب دانش و علم کوشیده و با توکل به خداوند این راه پر عزت و شرافت را خاضعانه پیموده و با اطاعت او خود را به درجه زعامت و علم رسانیده و با خدمت به خلق خدا در این راه بلند بندگی، مسیر انبیاء و صلحاء را گرفته است.

### ظرفیت:

بنندگان صالح خدا که با پرستش توحید در راه طاعت الله قدم می گذارند و معرفت به او پیدا می کنند خدای عزوجل به آنها عنایت مخصوص دارد مقام و مرتبت آنها را عزیز می شمارد و آنها را بسوی رسیدن به درجات عالیه یاری می کند.

با توجه به اینکه خداوند حکیم به هر کسی که توفیق عطا کند به مقام و منزلت والایی می رسد و از عزت عالیه برخوردار می شود، باز هم گاهی در صحنه های سخت مورد آزمایش الهی قرار می گیرد؛ نه تنها يك انسان عادی بلکه خداوند خیلی از انبیاء و پیامبرانش را در معرض امتحان قرار داده است که در این مرحله باید ظرفیت کامل و عالی و همت والایی داشته باشد تا در این صحنه پیروز و کامیاب در آید. در عرف جامعه بشری دیده می شود و چه بسا در تاریخ ملاحظه می کنیم که خیلی از انسان هایی که از درجات عالی برخوردار بودند اما بدون ظرفیت و توجه در گرداب ها غرق شدند و گاهی هلاك شدند.

بطور واضح تر بیان شود که گاهی در جامعه دیده می شود که انسانی به درجات عالی از علم صعود کرده و از شخصیت والایی برخوردار است، اما ظرفیت علم و عمل در او کم رنگ می شود و تزلزل پیدا می کند تا اینکه در دام شیطان قرار می گیرد و بسوی ضلالت روی می آورد.

شخصیت ارزنده و کم نظیر مربی مهذب و آگاه را خداوند سبحان آنچنان ظرفیت به او داده است که به طور مثال با توجه به اینکه او یکی از استوانه های علمی و مراجع دینی است آنقدر با تواضع و تأمل در عمل می زیستند که گاهی انسان از رفتارش در تحیر است که تواضع و فروتنی و خاکی بودن آن قدر در وجودش مملو است که اخلاق مرتضوی او به سوی حکمت عملی و خدا محوری قرار دارد، از رفتارش انسان شوق و اشتیاق و با او بودن را لحظه شماری می کند.

پس او کسی است که با معرفت خدا به درجه ای راه یافته که خداوند هم ظرفیت علم و عمل و شخصیت و ارزش را به او عطا کرده است.

علم:

علم: یعنی دانستن، حقیقت چیزی را درک کردن، دانش و آگاهی.

مقام انسانیت را در نزد خداوند دو چیز بالا می برد: ایمان و علم.

پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة»<sup>۱</sup> در جست و جوی دانش شدن بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

بی تردید فرا گرفتن علم و دانش از وظایف دینی ماست، و رسیدن به مقامات علمی خود از فیوضات الهی است. اما آنچه قابل توجه است اینکه انسان باید برای تلمذ تمام علوم جدیدیت به کار گیرد و تخصصاً به وادی های علمی دست یابد ولی آنچه برای تکریم و ارزش انسان سود می بخشد فرا گرفتن علوم دینی است؛ پیامبر بزرگوار اسلام درباره جایگاه

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۴۹.

و مقام دانش و دانشمندان فرمود: «النظر الى وجه العالم عبادة<sup>۱</sup>» نگرستن به چهره عالم عبادت است.

همان طوری که قبلاً اشاره شد علم بر دو قسم است،  
۱- علم تن، ۲- علم دین، اما آنچه بر حدیث شریف فوق  
صدق می کند عالمان دینی هستند.

عالمان دینی و ربّانی حافظان دین شریعت و نگهبانان  
اعتقادات مردم و مسئول غنی ساختن آن با آموزه های الهی  
هستند و به هنگام پدید آمدن بدعت ها و بدعت گذاری ها  
مردانه وارد میدان شده اندیشه های باطل را منکوب می کنند.

یکی از این چهره های علمی و از عالمان ربّانی معظم له  
است که خود یکی از سپرهای محکم در مقابل بدعت ها و  
اندیشه های باطل مانند کوه استوار، در راه رضای خدا و  
آئین پیامبر اسلام ﷺ به خلق خدا خدمت می کند.

---

<sup>۱</sup> - عوالی اللثالی، ج ۴، ص ۷۳.

## غزل:

ارزش انسان زعلم و معرفت پیدا شود  
بی هنر چون دعوی بیجا کند رسوا شود  
هر که با مردان حق پیوسته عنوانی گرفت  
قطره چون واصل به دریا می شود دریا شود  
قیمت گوهر شود پیدا بر گوهر شناس  
قدر ما در پای میزان عمل پیدا شود  
در مسیر زندگی هرگز نمی افتد به چاه  
با چراغ دین و دانش گر بشر بینا شود  
سرفرود می آورد هر شاخه از بار آوری  
می کند افتادگی انسان اگر دانا شود  
ما که در راه طلب دم از حقیقت می زنیم  
طعنه های مدعی کی سدّ راه ما شود  
قدر هر گوهر زعلمش مدعی بر وصف اوست  
علم عالم مایه آرامش دلها شود  
او حدیث فضل می گوید زیغمبر به ما  
کسب فیض از محضرش روشنگر دنیا شود

### فقیهان عامل مرحمت الهی:

﴿ان الذين امنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن

وداء﴾<sup>۱</sup>

کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته ای کرده اند بزودی «خدای» رحمان برای آنان محبتی «در دل ها» قرار می دهد.

### آری:

هر گاه خدای سبحان بخواهد و اراده فرماید که عنایت خود را بر بنده ای به کمال رساند و او را مورد لطف بیشتر خود قرار دهد، مهر و محبت او را در دلها قرار می دهد و او این را در بین مردم عزیز می کند که البته این نعمت بزرگ شامل هر کس نمی شود، بلکه به بنده گان صالح اش و رهروان راه پیامبرانش عطا می فرماید.

---

<sup>۱</sup> - سوره مریم، آیه ۹۶.

۶۴ ..... گوهری از تبار صالحان

این نعمت عظیم که شامل هر بندهٔ صالح خدا قرار بگیرد با هیچ نعمتی از نعمت های الهی قابل مقایسه نیست که در دنیا به بنده هایش می دهد.

فقیهان عامل و عالمان ربّانی يك نمونه از آن صالحان هستند که مورد عنایت الهی قرار می گیرند و محبت آنها در دلها موج می زند، و مردم به سوی ایشان عشق می ورزند و در هر جامعه ای قدم به قدم دنباله رو آنها هستند و از رهنمود هایشان فیض می برند.

یکی از آن بنده های صالح خدا وجود شریف این سید بزرگوار از تبار رسول خدا است و عشق و علاقه او در دلهای مردم موج می زند و مردم به عنوان نعمت الهی از وجود او و علم و فیوضاتش کسب فیض می کنند که وجود شریفش بزرگ ترین مرحمت الهی به حساب می آید.

### قلم گویا:

همان طوریکه قبلاً اشاره شد در اهمیت قلم که خداوند متعال به او سوگند یاد کرده است و او را در بین بندگانش بعنوان شیئی کم نظیر معرفی می کند و اهمیت او را بزرگ می شمارد، در حقیقت قلم خود ابزاری برای هدایت بشر قرار می گیرد کما اینکه قلم انسان، مایه فلاح و سعادت و عزت را برای انسان مهیا می کند.

همچنین قلم مایه سعادت بنده های خدا را به سوی کسب علم و دانش فراهم می کند؛ عالم عامل آیت الله العظمی مدنی تبریزی فوق العاده از فیض قلم بهره برده است، زیرا ایشان تألیفات زیادی در علوم اسلامی دارند.

با توجه به اینکه معظم له در ابعاد مختلف علوم اسلامی آثار برگزیده و ارزشمندی دارند و طالبان علوم دینی از آثارشان کسب فیض می کنند، بلکه برای رسیدن به کمال و فلاح آنها را یاری می کند.

این نکته قابل تأمل است که وقتی انسان با آثار معظم له برخورد می کند آنچه را در خور يك فقيه دینی قلمداد کنی آثار ایشان می رساند، که درجات عالیّه از علم، در سطرهای کتاب هایش می درخشد؛ با قلم علم می آموزد و قلم راه هدایت را معرفی کند و راه تکامل را می توان از رهنمود های علمی ایشان دریافت.

### کلمه طیبه:

﴿الم تر كيف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها

ثابت وفرعها في السماء﴾<sup>۱</sup>

آیا ندیدی خداوند چگونه مثل زده، سخن پاک که مانند درختی پاک است که ریشه استوار و شاخه اش در آسمان است. میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد.

---

<sup>۱</sup> - سوره ابراهیم، آیه ۲۴ و ۲۵.

قرآن کریم از درختی پاك كه میوه های پاك می دهد به عنوان مثال سخن گفته است و لذا هر مربی و نابغه ای كه در راه انسان سازی و هدایت جوامع بشری بكوشد، در حكم همان درخت مورد نظر قرآن است. لذا رهبران و هدایت گران و عالمان دینی از مصادیق بارز شجره طیبه هستند.

آنان هر دم میوه و خوراکی گوارا به انسان ها عرضه می دارند و از این رهگذر انسان هایی كه از نظر روحی سالم هستند، آنرا پذیرفته به جان می خرند. اما آنانكه به تعبیر قرآن کریم قلب مریضی دارند توان بهره گیری از این داده ها و آموزه این بندگان را ندارند، البته اشكال در میوه شجره طیبه نیست، بلكه ذائقه بیماران است كه آنرا تلخ می پندارند.

سید عظیم الشان و پاك از ذریه پیامبر و امیرالمومنین و صدیقه طاهره علیها السلام و از آن شاخسار مطهر تا شاخ و برگ از سادات كرام و اجلات عظام است، با توجه به اینکه در راه سیره جدش قدم برداشته و با خدمت به مكتب جدش از

این شجره طیبه سود جسته و به عنوان میوه از درخت پاک عزت و شرافت برای خدمت به اصل مطهر قدم برداشته، پس در اینجا استفاده بردن از علم و فضل و ورعش راه رسیدن به مقام والایی خواهد بود، زیرا -و به قول عالمی بزرگ از شیعه- سادات پاک و متقی از همان شجره طیبه هستند.

### لطاف:

در سیره مبارک امیر المومنین علیه السلام وقتی مطالعه می کنیم می بینیم در تمام مراحل زندگی پربار آن حضرت مردم مدیون الطاف آن حضرت بوده و هیچگاه به کسی منت نگذاشته، بلکه مردم مدیون حضرت می شده است.

آنچنانکه آن حضرت حتی در جنگ ها علیه کفار، اول دست به سلاح نمی برد تا اینکه دشمن به آن حضرت حمله ور می شد حضرت دفاعاً قیام می فرمودند و وجود شریف آن حضرت به گردن هر کسی حق داشت.

از جمله نکته‌های قابل اهمیت این است که انسان همیشه لطیف و مهربان و رئوف باشد، اما واژه لطاف در جایی بکار می‌رود که شخص خیلی پر لطف و مهربان باشد.

از این سیره شریف علوی می‌توان گفت که معظم له کمال استفاده را برده، وقتی در زندگی این عالم ربانی می‌نگریم می‌بینیم او همیشه به مردم لطف دارد و مردم مدیون آن وجود کریم قرار می‌گیرند.

آیت الله العظمی مدنی تبریزی همیشه در کمین این است که به مردم محبت و لطف کند و الطاف او گرفته شده از سیره جدش امیر المومنین علیه السلام است که این فیض عظیم سَنَبِلْ خَوْبِيهَا برای بشر است هر که بتواند در سیره مبارک علوی دست یابد از اهل سعادت و فلاح است و ناکامی ابداً در زندگی اش روی نمی‌آورد.

### مرجع آگاه:

آنچه در بین وظایف بشریت مهم تر و سنگین تر است، اهم و مهم امورات دینی حفظ و دفاع از دین است که آن هم به عهده عالمان دینی و فقهاء اسلامی است که اینها وارثان انبیاء الهی به حساب می آیند.

با توجه به آنکه شخصیت يك عالم آن قدر عظیم است که نگاه به صورت او عبادت حساب می شود، وظایف و مسئولیت آن هم خیلی عظیم و سنگین است.

يك مرجع دینی وظیفه دارد در قبال دفاع از کیان و مقدسات و عقاید دینی و پاسخ به شبهات و افکار باطل، نه در حد محدود و اطراف خودش بلکه در تمام جهان نور علمش احاطه داشته باشد و در تمام عالم با افکار باطل مبارزه کند و از اوضاع و احوال عالم آگاه باشد و در حفظ حریم مقدس اسلام و اهل بیت آماده باشد بلکه خود را محدود قرار ندهد.

شخصیت فرزانه و علمی آیت الله العظمی مدنی تبریزی یکی از این چهره های روشن ضمیر فقهاست که اوضاع و احوال عالم را دنبال نموده برای حفظ مقدسات و عقاید اسلامی می کوشد.

او همیشه در این باور است که باید برای استوانه دین اسلام آنقدر کوشید تا در عالم و جهان گیتی الحادی وجود نداشته باشد، بلکه همه عالم تحت لوای مکتب اسلام جمع شوند و از عقاید حقه ائمه معصومین علیهم السلام که بحری از فیوضات الهی است استفاده کنند.

### نماد عظمت:

شخصیت های ممتاز و اسطوره های علم و عمل همچون ستارگان درخشان در آسمان تاریخ می درخشند و راه را برای پویندگان فضیلت روشن می کنند.

و با سعه صدر در مقابل مشکلات مبارزه می کنند، بعضی از انسان ها مشکلات را بزرگ می بینند و در برابر آنها زانو

۷۲ ..... گوهری از تبار صالحان

می زنند اما راد مردان علم و عظمت خود را بزرگ تر و قوی تر از مشکل می دانند (هر قدر هم مشکل عظیمی برایش وارد گردد) در برابر عظمت و اراده آنها كوچك است.

این راد مرد دینی عزت و عظمتش الگویی برای جامعه است که سال های فراوان سپری شود تا روزگار ابر مردهایی مثل ایشان تحویل جامعه دهد.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «قدر الرجل قدر همته» قدر و منزلت مرد به اندازه همت اوست.

در حقیقت میزان دقیقی برای شناخت مردان و مراتب جایگاه شان دست داده است تا بدون ابهامی سَنبل های عظمت و نمادهای وقار و قداست از مدعیان شناخته شوند.

این مرجع وارسته که خود نماد عظمت و ابهت است آنچه در او دیده می شود نتیجه همت والای اوست که خداوند به او عطا فرموده است.

وعظ:

﴿هذا بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين﴾<sup>۱</sup>

این تبلیغ و هدایتی است برای متقین و پندی است برای متقین.

پند و موعظه و وعظ: یعنی پیامی که نفس مخاطب را نرم و قلبش را به رقت آورد، و آن بیانی خواهد بود که آنچه مایه صلاح حال شنونده است از مطالب عبرت آور که آثار پسندیده و ثنای جمیل دیگر آن را در پی دارد آگاه باشد.

خدای سبحان در سوره مبارکه نحل آیه ۱۲۵ سه قید یعنی حکمت و موعظه و مجادله را که همه مربوط به سخن گفتن است بیان فرموده است.

به خودی خود موعظه شفا است که دل های ظلمانی را نور هدایت می بخشد، البته موعظه ای که از لسان قرآن و معصومین علیهم السلام سرچشمه بگیرد که «کلامکم نور».

---

<sup>۱</sup> - سوره آل عمران، آیه ۱۳۸.

این طریق هدایت خیلی از اوصاف پسندیده معظم له است؛ وقتی انسان محضر مبارکشان تشریف پیدا می کند حتی با اندکی از مواعظ از محضر پر بارش بهره مند می شود، چه در حد حدیث و آیات روح بخش قرآن یا نکته ای و جمله ای انسان از وعظ ایشان بهره مند می شود.

### هدایت:

هدایت از نظر علما مراحل مختلفی دارد که عالیتین مراحل هدایت، هدایت توفیقی است و آن این که خداوند به فردی توفیق عنایت کند و او را راهنمایی نماید.

حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام می فرماید:

«ای انسان، گمان مبر که هر چه اراده کنی قدرت انجام آن را داشته باشی و اگر قدرت انجام آن را داشته باشی معلوم نیست موفق شوی، پس برای هر کاری از خداوند توفیق بخواهید.»

امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «لا نعمة اشرف من التوفيق»؛ هیچ نعمتی گرامی تر از توفیق نیست. بنا براین باید برای نیل به توفیق الهی کوشید تا از عنایت حضرتش بهره مند شد.

یکی از این توفیقات الهی شامل حال معظم له گردیده که خدای سبحان به او این نعمت گران را عطا فرموده و از بهره بردن توفیق الهی برای خدمت و هدایت بندگان خدا کمر همت بسته و در راه رضای خدا و انبیای الهی و اقامه احکام خدا و راهنمایی مردم صالح توفیق پیدا کرده است و از این نعمت مهمه الهی سود برده است و در سنگر علم و عمل برای نشر معارف حقه اسلامی زانو زده و تبیین حکم الله را قصد و اراده کرده و با خدمت به آستان مقدس حضرت حجت علیه السلام راه رستگاری و عزت را در پیش گرفته است.

### یک حقیقت:

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهترین دعاها را به من بیاموز.  
امام فرمود:

بگو «اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا»؛ بار خدایا فرجام کارهای ما را ختم به خیر گردان.

جان سخن در این عبارت شریف این نکته است و آن این که آنچه در عواقب امر انسان نهفته است انسان بی اطلاع است و گاهی در آینده دچار مخاطره قرار می گیرد.

بالاترین خجستگی در وجود انبیاء و معصومان علیهم السلام و پس از آنان در صالحان و عالمان تجلی است که یکی از نیکان و عالمان مرجع مسلم حضرت آیت الله العظمی مدنی تبریزی مد ظلّه العالی است که در حقیقت مثل ستاره ای پر فروغ می درخشد و قدم به عرصه ای گذاشته که منصوب به حضرت حجت علیه السلام است و این بهترین نعمت الهی است در عواقب ایشان برخورده و از فیوضات الهی بهره مند شده

است.

بر هیچ کسی پوشیده نیست که معظم له مصباح منیر علم است و مثل ستاره درخشانی در امتداد فقاقت می درخشد و یکی از استوانه های بزرگ حوزه علمیه قم، در راه خدمت به مکتب پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام قد همت بلند کرده است.

### حسن ختام

عالمان دینی همانگونه که مکرر اشاره شد چراغهای هدایت و محورهای فضائل دینی هستند و رهنمودهای آنها برای راهنمایی انسانهای دیگر یک امر بدیهی است که در اینجا شایسته است پاره ای از وصایای دینی و اخلاقی معظم له را در اینجا آورده تا اینکه همه علماء و فضلاى بزرگوار از وصایا و رهنمودهای آن شخصیت عظمی بهره مند گردند؛

## دو وصیت:

این دو وصیت یکی از اینجانب برای علماء و فضلا، دوم از مرحوم علامه رحمۃ اللہ علیہ برای فرزندش؛

## اولاً:

برای علماء و دانشمندان لازم است که اگر مسئله ای شرعی را عنوان کردند چه آن مسئله اصولی باشد یا فرعی و چه موضوعی باشد و چه حکمی، باید در آن مراقب باشند و دقت کنند، زیرا در عدم دقت، مسئله از حد شرعی و عقلی خارج می‌گردد که در این صورت مردم در تحیر قرار می‌گیرند، و بی نظمی در امورشان وارد می‌گردد؛ وقتی امور گرفتار حرج و مرج شد، ظلم و جور بوجود می‌آید.

خداوند انشاءالله ما و برادران مؤمن ما را حفظ نموده و از هوای باطل و نفس اماره نگهدارد.

### یادآوری لازم اینکه:

زمانیکه مسئله ای در جایی عنوان شد، با عدم رعایت حدود شرعیه و عقلیه بطریق اولی مخدوش است هر آنچه که در دنبال آن مسئله می آید نیز خدشه دار خواهد بود برهان قاطع در اقامه مسئله، حد شرعی و عقلی است.

### توجه کنید:

همانا سیره و روش علماء اینگونه بوده است، آنگاه که وارد مسئله ای (اعم از اصولی و فرعی) می شدند در مسئله مورد بحث اصلی را تأسیس می کردند، هرگاه دلیل و سندی برای آن مسئله نمی یافتند؛ در این صورت اگر بر اصل مؤسس خدشه و ایرادی وارد بود، بدون شک هر آن چیزی که تحت آن اصل قرار می گیرد، نیز دارای خدشه خواهد بود.

### با همه آنچه گفته شد؛

به علاوه اینکه علماء حافظین اسلام اند، و عقاید و قواعد دین را محکم و استوار می کنند، اسلام و مسلمین را از

شبهات ظالمین و حيله های شياطين دور می کنند و دخل و دخول هر نوع بدی را در اسلام منع می کنند و نمی گزارند که هیچ بدی وارد اسلام شود، برای همه علماء لازم است که احتیاط کنند در تبیین احکام شرعی و حفظ احکام شرعی، زیرا احتیاط چه عقلاً و چه نقلاً برای همه مردم یک امر نیکو و سودمند است و بطریق اولی برای علماء یک امر بدیهی است.

خداوند انشاءالله امثال این علماء را زیادتیر فرماید.

**و اما وصیت دوم که علامه رحمته الله علیه به فرزندش فرموده است:**

فرزندم بر تو باد، که برای احترام و تکریم علماء سعی کنی، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: کسی که فقیه مسلمانی را اکرام کند در حالی خدا را در روز قیامت ملاقات می کند که خداوند از او راضی است، و اگر کسی فقیه مسلمانی را اهانت و توهین کند در حالی خداوند را ملاقات می کند که او را مورد غضبش قرار داده، و نظر انداختن به سیمای عالم

را عبادت قرار داده، حتی نگاه کردن به درب خانه عالم عبادت است و نشستن و برخاستن با عالم نیز عبادت می باشد.

### بر تو باد که تلاش کنی:

برای فرا گرفتن علم و دانش و جستجو و دقت در دین؛ همانا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش می فرماید: هر که در دین جستجو کند وارث انبیاء است و برای طالب علم هر آنچه در آسمان و زمین است طلب استغفار می کند، حتی پرندگان در هوا و ماهی ها در دریاها، و ملائک بال هایش را زیر پای طالب دین می گسترانند، تا رضایت خداوند را کسب کنند.

### و بر تو باد:

اگر علمت را کتمان کنی و منع شود از کسی که مستحق فرا گرفتن علم است، کار شایسته ای نخواهد بود زیرا حضرت باری تعالی می فرماید: آنچنان که می پوشانند حکم خدا را

۸۲ ..... گوهری از تبار صالحان

کسانی که آنچه را که ما نازل کردیم برای هدایت ایشان در کتاب، این گروه کسانی هستند که خداوند و جمیع لعنت کنندگان آنها را لعنت کرده اند.

**و پیامبر ﷺ می فرماید:**

زمانیکه بدعتها در امت من ظاهر شود پس باید علماء علمشان را ظاهر کنند، اگر چنین نکردند لعنت خدا بر آنها باد.

و در روایت شریف می خوانیم: حکمت را به غیر اهلش نیاموزید که اگر این طور شد (به غیر اهلش آموختید) به آنها ظلم می شود (از اهلش منع کردید) اگر به غیر اهل شد بر آنها ظلم روا داشته اید.

**اتمام کلام این دو وصیت:**

لازم است بر علماء که تمام موارد برای بیان احکام شرعی احتیاط کنند، و احکام شرعی را حفظ کرده و آن احکام را محکم و استوار نمایند، زیرا احتیاط برای همه مردم یک امر

شایسته و نیکو است و برای علماء احتیاط خیلی نیکوتر است و بیشتر قابل تأکید قرار گرفته است.

از حضرت رضا علیه السلام مرویست که می فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل پسر زیاد فرموده است: که ای کمیل برادرت دین توست پس بر دینت احتیاط کن، تا حدی که توانایی داری.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که می فرماید: بر تو باد اگر به رأی خودت در چیزی عمل کنی، باید در تمام امور و در هر راه احتیاط داشته باشی، و در فرار باشی از فتوا دادن آنچنان که از شیر وحشی میگریزی و گردنت را پل عبور مردم قرار ندهی.

در هر صورت در تمام موارد (اعم از اصولی و موضوعی) علماء اعلام و مروجین احکام را بر احتیاط توصیه می کنم زیرا احتیاط با توجه به اینکه یک امر شایسته و نیکو است نجات دهنده انسان از تمام لغزشها است.

لذا:

این دو وصیت را معظم له همیشه به علماء می فرمایند و در کتب خویش نیز بیان داشته اند، که ما هم این دو وصیت را جهت تبرک، در این خلاصه آوردیم.

و این جزوه اندک که فرعی از اوصاف معظم له را ترسیم نموده است با توجه به اینکه سخن پرداختن برای انسان عادی خیلی مشکل نیست اما نگاه در بحر زندگی يك عالم نیاز به تأمل و دقت فراوان دارد و ما این جزوه اندک را به پیشگاه مقدس آن عالم ربانی تقدیم نموده و طول عمر شریفش را از خداوند متان مسئلت می نمائیم.

**والحمد لله رب العالمين**

## فهرست مطالب

- سخن نخست ..... ۵
- ولادت ..... ۱۱
- ادامه تحصیل ..... ۱۲
- اخلاق ..... ۱۵
- بی رغبتی به دنیا ..... ۱۹
- تألیفات ..... ۲۲
- الفوائد الادبية ..... ۲۲
- توضیح المطول ..... ۲۴
- درر الفوائد فی شرح الرسائل ..... ۲۴
- حاشیه بر عروة الوثقی ..... ۲۶
- منهاج الاحکام ..... ۲۷
- الارشاد الی ولاية الفقيه ..... ۲۸
- رساله توضیح المسائل ..... ۲۸
- مختصر الاحکام ..... ۲۸
- المسائل المستحدثه ..... ۲۸

۸۶	.....	گوهری از تبار صالحان
۲۹	.....	الفوائد القمیة
۳۰	.....	کتاب القضاء
۳۰	.....	قواعد الاصول
۳۳	.....	ثقافت
۳۴	.....	جامع الشرائط
۳۶	.....	حلم
۳۸	.....	خشوع
۴۰	.....	دانش اندش
۴۲	.....	ذی ملاطفت
۴۴	.....	رفیع
۴۶	.....	زعامت
۴۸	.....	سعادت
۵۰	.....	شجاعت
۵۲	.....	صفاء
۵۴	.....	ضیاء و نورانیت دل
۵۵	.....	طاعت
۵۷	.....	ظرفیت

۸۷	گوهری از تبار صالحان
۶۰	علم
۶۲	غزل
۶۳	فقیهان عامل مرحمت الهی
۶۵	قلم گویا
۶۶	کلمه طیبه
۶۸	لطافت
۷۰	مرجع آگاه
۷۱	نماد عظمت
۷۳	وعظ
۷۴	هدایت
۷۶	یک حقیقت
۷۷	حسن ختام
۷۷	دو وصیت